

LECTURES CLE EN FRANÇAIS FACILE

متون انتشارات کله به فرانسه ساده

EN FAMILLE

با خانمان

HECTOR MALOT

هکتور مالو

VesalBookshop.com

مترجم: مُنا ایض

Adapté en français facile
par Brigitte Faucard-Martinez

اقتباس به فرانسه‌ی ساده
بريجيت فوکر مارتینز

ویراستار علمی: فرناز ساسانی
عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی



VesalBookshop.com

سرشناسه	مالو، هکتور هانری، ۱۸۳۰-۱۹۰۷م.
عنوان و نام پدیدآور	Malot, Hector Henri با خانمان/ هکتور مالو؛ مترجم منا ابیض؛ اقتباس به فرانسه‌ی ساده بریجیت فوکرمارتینز؛ ویراستار علمی فرنار ساسانی.
مشخصات نشر	تهران: کتابسرای وصال، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری	۱۲۲ ص.: مصور. ۱۴/۵×۲۱/۵م.
شابک	۲۰۰۰۰ ریلال 16-2-6454-622-978:
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	عنوان اصلی: En famille.
یادداشت	کتاب حاضر اقتباس ساده ای از داستان "باخانمان" هکتور مالو توسط بریجیت فوکرمارتینز است.
موضوع	زبان فرانسه -- کتاب‌های درسی برای خارجیان -- فارسی
موضوع	French language -- Textbooks for foreign speakers -- Persian
شناسه افزوده	ابیض، منا، ۱۳۶۵، مترجم
شناسه افزوده	abiz, Mona
شناسه افزوده	ساسانی، فرنار، ۱۳۵۱، - ویراستار
شناسه افزوده	Sassani, Farnaz
شناسه افزوده	فوکار، بریژیت
شناسه افزوده	Faucard, Brigitte
رده بندی کنگره	PC۲۱۱۲/م۲ب۲ ۱۳۹۸
رده بندی دیویی	۴۴۸/۶۴۴
شماره کتابشناسی ملی	۵۶۱۳۲۴۲



عنوان: با خانمان

عنوان فرانسه: EN FAMILLE

نویسنده: هکتور مالو

مترجم: منا ابیض

قطع کتاب: رقعی

ناشر: کتابسرای وصال

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۵۴-۱۶-۲

«حق چاپ محفوظ است» هرگونه کپی برداری به صورت چاپی یا انتشار در فضای مجازی کاملاً ممنوع است.

مرکز پخش: فروشگاه انتشارات کتابسرای وصال

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان وصال شیرازی، پلاک ۱۹

خودآلین VesalBookshop.com

شماره های تماس: ۰۲۱۶۶۹۶۸۲۲۳-۶۶۹۵۴۶۴۸



HECTOR MALOT naît le 20 mai 1830 à La Bouille, en Normandie. Il poursuit des études de droit à Paris puis travaille chez un notaire. Mais il abandonne bientôt cette activité pour se consacrer uniquement à la littérature.

En 1859, il publie son premier roman, *Les Amants*, qui obtient un grand succès.

En tout, il écrit environ soixante-dix ouvrages dont les plus connus sont : *Les Aventures de Romain Kalbris* (1869), *Sans famille* (1878), *La Petite Sœur* (1882), *La Mère* (1890), *En famille* (1893), etc.

Il meurt le 17 juillet 1907 à Fontenay-sous-Bois, près de Paris.

* * *

هکتور مالو ۲۰ می سال ۱۸۳۰ در لاپوئی نورماندی به دنیا می‌آید. او تحصیلات خود را در رشته حقوق در پاریس ادامه می‌دهد، سپس نزد یک سر دفتر اسناد رسمی مشغول به کار می‌شود. اما دیری نمی‌پاید که این شغل را رها می‌کند تا خودش را منحصر وقف ادبیات نماید. در سال ۱۸۵۹ اولین رمانش به نام دلدادگان را منتشر می‌کند، که موفقیت بزرگی به دست می‌آورد.

در مجموع، او حدود ۷۰ اثر خلق می‌کند که شناخته‌شده‌ترین آن‌ها: ماجراجویی‌های رومن کلبری (۱۸۶۹) بی‌خانمان (۱۸۷۸) خواهر کوچک (۱۸۸۲) مادر (۱۸۹۰)، باخانمان (۱۸۹۳) و غیره هستند.

او در هجدهم ژوئیه ۱۹۰۷ در فونتنی سو بوآ حوالی پاریس دیده از جهان فرو می‌بندد.

En famille raconte l'histoire d'une jeune enfant, Perrine, qui après bien des aventures retrouve sa famille qu'elle ne connaissait pas. Ce thème, qu'on rencontre également dans d'autres romans d'Hector Malot, est le point fort de cet ouvrage.

Mais *En famille* nous permet aussi de découvrir quelques aspects de la France du XIX^e siècle. Ce roman nous montre en effet une campagne qui n'est plus uniquement tournée vers l'agriculture ; en approchant des villages, on aperçoit maintenant de grandes cheminées, celles des usines. La France se trouve en pleine transformation économique.

En famille n'est donc pas seulement un roman tendre et attachant sur la vie d'une petite fille courageuse, mais c'est aussi un morceau d'histoire sur le monde des usines après la révolution industrielle.

Les mots ou expressions suivis d'un astérisque* dans le texte sont expliqués dans le Vocabulaire, page 59.

باخانمان داستان دختر نوجوانی به نام پرین را روایت می‌کند که پس از ماجراهای بسیار خانواده‌اش را که قبلاً نمی‌شناخت پیدا می‌کند. این موضوع، که در رمان‌های دیگر هکتور مالو نیز مشاهده می‌شود، نقطه‌ی قوت این اثر است.

اما با خانمان علاوه بر این برخی از جلوه‌های فرانسه قرن نوزدهم را نیز برای ما آشکار می‌سازد. این رمان در حقیقت منطقه‌ی روستایی را برایمان به تصویر می‌کشد که دیگر تنها کشاورزی وسیله‌ی گذران زندگی نیست؛ بلکه با نزدیک شدن به روستاها، حالا دودکش‌های بزرگ کارخانه‌ها به چشم می‌آید. فرانسه در اوج انقلاب اقتصادی است.

باخانمان ازینرو نه تنها یک رمان منسجم و گیرا در مورد زندگی دختر کوچولویی شجاع است بلکه برشی از تاریخ دنیای کارخانه‌ها بعد از انقلاب صنعتی نیز می‌باشد.

VesalBookshop.com

کلمات یا اصطلاحات ستاره دار * متن در قسمت واژگان، صفحه‌ی ۵۹ توضیح داده شده‌اند.



C'EST SAMEDI-LÀ, comme la plupart des samedis, il y a à la porte de Bercy beaucoup de voitures qui attendent pour entrer dans Paris.

Parmi elles, on en trouve une qui ressemble à une roulotte¹ et sur laquelle est écrit en grosses lettres le mot : PHOTOGRAPHIE.

Cette voiture est tirée par un âne. Près de lui, assise sur le trottoir, se tient une petite fille de douze ans.

Comme l'âne est placé derrière une voiture de foin² et qu'il en mange de temps en temps, la fillette le gronde³ d'un ton doux :

– Palikare, ne fais pas ça !

Aussitôt, obéissant, l'animal baisse la tête.

À un moment, comme elle vient de le gronder pour la quatrième fois, une voix sort de la voiture appelant :

– Perrine !

Aussitôt, la petite se lève puis elle soulève un

1. Roulotte : voiture qui sert de maison et où vivent les gens qui voyagent (nomades, gitans...).

2. Foin : herbe des champs pour nourrir le bétail.

3. Gronder : disputer.



آن روز شنبه، مثل اکثر شنبه‌های دیگر، بندر برسی مملو از دل‌بازان‌هایی است که برای ورود به پاریس انتظار می‌کشند. در میان آنها گاری کاروانمانندی دیده می‌شود که با حروف بزرگ روی آن نوشته شده است: عکاسی. الاغی آن گاری را می‌کشد. کنار آن دخترک ده-دوازده ساله‌ای روی پیاده‌رو نشسته‌است.

چون الاغ در پشت گاری پر از یونجه‌ای قرار داده شده که گهگاهی از آن می‌خورد، دخترک با صدایی ملایم او را سرزنش می‌کند: پالیکار، این کار را نکن!

بی‌درنگ، حیوان به نشانه‌ی اطاعت، سرش را به زیر می‌اندازد. لحظه‌ای پس از اینکه دخترک برای بار چهارم به حیوان نهیب می‌زند، صدایی از درون گاری خارج می‌شود که او را به نام می‌خواند: پرین!

rideau et entre dans la voiture où une jeune femme est couchée sur un matelas.

– Tu as besoin de moi, maman ?

– Que fait donc Palikare ?

– Il mange le foin de la voiture qui est devant nous.

– Il faut l'en empêcher.

– Oui, maman, ne t'inquiète pas. Veux-tu que je t'achète quelque chose ?

– Non, gardons notre argent, nous en avons si peu. Retourne surveiller Palikare.

Perrine reprend sa place sur le bord du trottoir. Un gamin de douze ans s'approche alors d'elle.

– Voilà un bel âne ! Est-ce qu'il est de notre pays ?

– Il vient de Grèce, dit Perrine.

– C'est loin, la Grèce ?

– Oui.

– Alors, vous venez de la Grèce ?

– De plus loin encore.

– Où est-ce que vous allez ?

– À Paris.

– Où est-ce que vous laisserez votre voiture ?

– Je ne sais pas encore.

– Pourquoi vous n'allez pas chez Grain de Sel ?

– Je ne connais pas Grain de Sel.

– C'est le propriétaire du Champ Guillot. Son champ est fermé la nuit. Vous pouvez vous y installer tranquillement. On ne vous volera pas.

دختر کوچک فوراً بر می‌خیزد پرده‌ای را بالا می‌زند و داخل گاری می‌شود که زن جوانی روی تشک نازکی خوابیده است.

- با من کاری داشتی مامان؟

- مگر پالیکار چه کار می‌کند؟

- یونجه‌ی گاری‌ای که روبرویمان است می‌خورد.

- باید مانع این کارش شوی.

- بله مامان، نگران نباش. چیزی می‌خواهی برایت بخرم؟

- نه پولمان را نگهداریم پول خیلی کمی داریم. برو مواظب پالیکار باش!

پرین به جای خود در پیاده روی باز می‌گردد. پسر بچه‌ی دوازده ساله‌ای به

او نزدیک می‌شود.

- عجب الاغ قشنگی! مال منطقه‌ی خودمان است؟

پرین می‌گوید: یونانی است.

- یونان خیلی دور است؟

- بله.

- پس شما از یونان می‌آیید؟

- دورتر از آن.

- به کجا می‌روید؟

- به پاریس.

- گاری‌تان را کجا نگه می‌دارید؟

- هنوز نمی‌دانم.

- چرا پیش حبه نمک نمی‌روید؟

- من حبه‌ی نمک را نمی‌شناسم.

- او مالک شان گیو است. شب‌ها مزرعه‌اش بسته است. می‌توانید راحت

آنجا اقامت کنید. از شما چیزی نخواهند دزدید.

- C'est cher ?
- Quarante sous la semaine.
- C'est loin d'ici, le Champ Guillot ? demande

Perrine.

Le jeune garçon lui explique comment y aller. Perrine va trouver sa mère et lui raconte ce qu'on lui a dit. La mère accepte d'aller s'installer dans le Champ Guillot.

Une fois la porte de Bercy passée, Perrine, suivant les indications du jeune garçon, conduit son âne sans problème jusqu'au champ de Grain de Sel. Là, laissant Palikare dans la rue, elle entre dans le champ. Aussitôt, des chiens se précipitent vers elle en aboyant.

- Qu'est-ce qu'il y a ? crie une voix. Ne faites pas attention aux chiens. Approchez.

Perrine se trouve bientôt face à un homme à la barbe fournie¹. Elle lui demande si elles peuvent s'installer quelque temps dans le champ, elle et sa mère qui est malade, avant de continuer leur voyage vers Amiens.

- C'est possible, dit-il. Six sous par jour pour la voiture et trois sous pour l'âne.

- C'est bien cher.

- C'est mon prix. Et l'âne pourra manger toute l'herbe qu'il voudra.

Perrine cherche dans la poche de sa jupe et,

1. Fourni : épais.

- گران در می آید؟

- هفته‌ای چهل "سو"!

پرین می‌پرسد: شان گیو از اینجا دور است؟

پسر جوان برایش توضیح می‌دهد چگونه به آنجا برود. پرین پیش مادرش برمی‌گردد و چیزی را که به او گفتند برایش تعریف می‌کند. مادر با اقامت در شان گیو موافقت می‌کند.

وقتی از بندر برسی گذشتند، پرین با دنبال کردن نشانی‌های پسر جوان بدون هیچ مشکلی الاغش را تا مزرعه‌ی حبه‌ی نمک هدایت می‌کند. آنجا پالیکار را در خیابان می‌گذارد و خودش داخل محوطه‌ی مزرعه می‌شود. به محض ورود، سگ‌ها عوگوکنان به طرفش هجوم می‌آورند.

صدایی فریاد می‌زند: چه خبر شده؟ به سگ‌ها توجهی نکنید. بیایید جلو! پرین بلافاصله خودش را در برابر مردی با ریش‌های انبوه می‌بیند. از او می‌پرسد که آیا امکان دارد، او و مادرش که مریض است، قبل از ادامه دادن سفرشان به مقصد آمی‌ین مدتی در مزرعه بمانند. مرد می‌گوید: امکانش هست. روزی شش سو برای گاری و سه سو برای الاغ.

- خیلی گران است.

- قیمتش همین است و الاغ می‌تواند هرچقدر که دلش بخواهد علف بخورد.

پرین جیب‌های دامنش را می‌گردد، و یکی یکی نه سو از آن بیرون می‌کشد:

¹ سو: پول قدیم فرانسه که معادل پنج صدم فرانک است.